

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Satire

طنز

نعمت الله مختارزاده
شهر اسن – المان
۸ اکتوبر ۲۰۰۹

شکوه

(۷) در افغانستان :

{ و }

ختنه بیاید همه اهل هنود
یا که شود گردن شان، قطع ، زود
از سن ده ، تا سن هفتاد تام
هرچه هزاره ست ، شود قتل عام
وای عجب ، منطق و برهان نگر
قانونی بر عالم انسان نگر
اینهمه دستور کتاب مبین
حکم شریعت به همه اینچنین
باید اطاعت شود از مقتدا
ورنه شود از تنه ها سر جدا
وای عجب ، عالم انسان نگر
چشمی گشا ، آیه قرآن نگر
روز دگر رفت ، بر دخترش
تا که ببیند ، در و هم گوهرش

بوسه زدی ، روی و سرِ حاجبه
یک لقبِ تازه به او ، طالبه
وای عجب ، نوّه خندان نگر
زو به پشاور ، به یتیمان نگر
گفت ! به دختر که ، عزیزِ دلم
فکری برای تو و این خوشگلم
طرحی نمودم ز برایت پلان
نقشه من گیر و بخوان و بدان
وای عجب ، میهنِ ویران نگر
ثروتِ او هر سو گریزان نگر
بکسی پُر از دالر و دینار و زر
جمع شده ، اینهمه با خود ببر
نقد گذاریش ، به بانکِ سویس
نامِ خود و طالبه را هم نویس
وای عجب ، میهنِ ویران نگر
ثروتِ او هر سو گریزان نگر
هر دو پناهنده ، به دامنِ غرب
نامِ نوی لایقِ اذهانِ غرب
مشکلی گر بود ، به لایر بده
اجرتِ شان ، پوند و ، به دالر بده
وای عجب ، میهنِ گریان نگر
نالۀ او پشتِ هر افغان نگر

XXXXXXXXXXXX

شکوه

(۷) در افغانستان :

{ ز }

شوهري بنماي به خود انتخاب
عشق و صفا كن بسي با آب و تاب
مُدل زيباي قشنگ و بسيم
شمع فروزنده ، وسيم صميم
واي عجب ، مُدل افغان نگر
آتش سوزنده به ميدان نگر

بقيه دارد